

برنامه هفتم بر تحقق امنیت غذایی متمرکز شده است

چشم انداز پنج ساله برای خودکفایی کالاهای اساسی

گزارش

نقیسه امامی
خبرنگار

چشم انداز کلی برنامه هفتم

امروزه تأمین امنیت غذایی کشورها اقدامی بسیار با اهمیت و پیچیده محسوب می‌شود و بخش ویژه‌ای از سیاست‌گذاری دولت‌ها را در این مسیر به خود اختصاص می‌دهد. در عصر حاضر کشاورزی تنها تولید غذا نیست بلکه یکی از رکن‌های اساسی اقتصاد

برنامه هفتم توسعه دارای فصل‌های مختلف در حوزه‌های گوناگون است. مسائل اقتصادی، حوزه اشتغال، تنظیم‌گری در حوزه بودجه، مسائل زیرساختی، پروژه‌های کلان، مسائل مربوط به حوزه حمل و نقل و ترانزیت، اصلاح ساختار اداری و مسائل فرهنگی در آن دیده شده است. در مجموع این برنامه توسعه در سه فصل «امنیت غذایی و ارتقای تولید محصولات کشاورزی»، «نظام مدیریت یکپارچه منابع آب» و «ترانزیت و اقتصاد دریامحور» به مباحث مرتبط با بخش کشاورزی پرداخته است. با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در

پایدار است و به عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی کشورها مدنظر قرار می‌گیرد. بخش کشاورزی طی سالیان اخیر در حدود ۷۰ درصد مواد غذایی مردم کشور و ۱۹ درصد از اشتغال و ۱۷ تا ۲۵ درصد صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده است. بنابراین از اهمیت ویژه‌ای برای مردم و کشور برخوردار است که در اسناد بالادستی کشور از جمله برنامه‌های پنج ساله توسعه به آن پرداخته شده است. برنامه‌های پنج‌ساله، توسعه هدف‌گذاری میان مدت کشور را تعیین می‌کند و

رشد اقتصادی مجموع فعالیت‌ها سالانه ۸ درصد و برای بخش کشاورزی ۵.۵ درصد پیش‌بینی شده است. در برنامه هفتم قرار است کشور در تأمین بخشی از کالاهای اساسی خودکفا شده و همچنین با استفاده از فناوری‌های نوین و

بر اساس اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است همه امکانات خود را برای پی‌ریزی اقتصادی درست و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و محرومیت به کار گیرد. مطابق اصل ۴۳ قانون اساسی، اقتصاد کشور بر مبنای تأمین نیازهای اساسی مردم و تأمین شرایط و امکانات کار استوار است تا با استفاده از علوم و فنون و افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی، کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

نگاهی به شش برنامه توسعه با محوریت حوزه کشاورزی

برنامه اول توسعه

برنامه اول توسعه به بخش کشاورزی توجه خاص شد. در طی این برنامه حدود ۱۲۸/۸ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری توسط دستگاه‌های دولتی در بخش کشاورزی صورت گرفت. در سال ۱۳۶۶ ارزش افزوده این بخش ۵۶۲ میلیارد ریال بوده که ۱۸ درصد از محصول ناخالص داخلی کشور را دربر گرفته است. افزایش نسبی ارزش افزوده این بخش به دلیل رشد منفی محصول ناخالص داخلی در سال‌های پیش از برنامه و رشد مثبت کشاورزی در آن زمان بوده است. سهم زیربخش زراعت به طور متوسط ۳۰ درصد، سهم زیربخش دامداری ۴۰ درصد و جنگلداری و شیلات در مجموع ۳۰ درصد در دوره زمانی ۱۳۵۸-۱۳۶۶ بوده است. از نظر تغییرات سطح زیرکشت و منابع آب مساحت زمین‌های زیرکشت و آبیاری ایران از حدود ۸/۱۷ میلیون هکتار در سال ۱۳۵۷ به ۵/۱۸ میلیون هکتار در سال ۱۳۶۶ رسیده است.

برنامه دوم توسعه

برنامه ۵ ساله دوم با هدف اصلی توسعه اقتصادی با نرخ رشد ۱/۵ درصد در سال تصویب شد که نرخ رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی ۴۳ درصد بوده است. در این برنامه نیز نگرش به کشاورزی با رویکردی خاص مورد توجه قرار گرفته و از آنجا که بخش صنعت به دلیل جنگ احتمالی دچار ضعف شده بود و از طرفی نیز نیاز غذایی جمعیت کشور رو به تزاید داشته است، کشاورزی به عنوان محور توسعه مطرح شد. در این برنامه، استفاده از توانمندی‌ها و مزیت‌های نسبی مناطق در اتخاذ سیاست‌های منطقه‌ای کشاورزی، جلوگیری از تخریب بی‌رویه منابع طبیعی، حفظ و احیا و بهره‌برداری مناسب از منابع تجدید شونده، ایجاد پوشش جنگلی، برنامه‌ریزی در زمینه گسترش صنایع تکمیلی دامی و کشاورزی و... مورد توجه قرار گرفت. نکته حائز اهمیت درخصوص برنامه دوم توسعه این است که در سال ۱۳۷۷ دفتر محیط زیست و توسعه پایدار تأسیس شد و تا حدودی توجه به شاخص‌های کشاورزی پایدار جز اهداف کیفی قرار گرفت.

برنامه سوم توسعه

مهم‌ترین ویژگی برنامه سوم توسعه شناخت چالش‌های اساسی فرآیند توسعه اقتصادی کشور و سعی در فراهم ساختن الزامات تحقق توسعه پایدار بود. از نظر میزان سرمایه‌گذاری موجود در بخش کشاورزی، بیشترین رشد در برنامه سوم توسعه اتفاق افتاد. در این برنامه سعی شد که صنایع تبدیلی کشاورزی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. همچنین مقرر شد که ۳ درصد از سپرده‌های قانونی بانک مرکزی جمهوری اسلامی در اختیار سه بانک قرار گیرد که بخشی از آن صرف اعطای تسهیلات به طرح‌های کشاورزی و دامپروری شود. در طول سال‌های برنامه سوم حداقل ۲۵ درصد از تسهیلات اعطایی کلیه بانک‌های کشور با هماهنگی دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط به بخش آب و کشاورزی اختصاص داده شد. در امر توسعه پایدار در این برنامه طرح‌هایی از قبیل تعادل دام و مرتع، خروج دام از جنگل و لزوم حفظ و حراست از منابع پایه اتخاذ شده است.

برنامه چهارم توسعه

برنامه چهارم در قالب ترسیم چشم‌انداز آینده در افق بلندمدت و با سرمشق رشد پایدار اقتصادی مبتنی بر محور دانایی و رویکرد جهانی به منظور اصلاح ساختارها و فرآیندهای جامعه برای دوره ۸۸-۱۳۸۴ تهیه و تدوین شد. در این برنامه مقرر گردید که حداقل ۱۰ درصد از منابع قابل تخصیص حساب ذخیره ارزی به بخش غیردولتی و به صورت ارزی - ریالی جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های موجه بخش کشاورزی اختصاص یابد. در این برنامه نیز مانند برنامه سوم ۲۵ درصد تسهیلات اعطایی مربوط به کشاورزی به بخش آب کشاورزی اختصاص یافت. همچنین توسعه بخش کشاورزی و منابع طبیعی با محوریت خودکفایی در تولید محصولات اساسی و حمایت از گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی به نحوی که ضایعات به میزان ۵۰ درصد کاهش یابد، در صدر برنامه‌های مربوط به کشاورزی قرار گرفت. در امر توسعه پایدار کشاورزی در این برنامه تصویب شد که بهره‌برداری از جنگل صرفاً براساس تعدیل اکولوژیک صورت گیرد.

رئیس مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

ضرورت تأمین اعتبارات برنامه توسعه برای افزایش نوآوری در بخش کشاورزی

گفت‌وگو

سیاست‌های کلی برنامه هفتم، اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت با تأیید مقام معظم رهبری در تابستان امسال ابلاغ شد که یکی از اصلی‌ترین اهداف آن در بخش کشاورزی، ایجاد امنیت غذایی است. بر اساس اظهارنظر کارشناسان برای رسیدن به این هدف و سایر اهداف تعیین شده در برنامه توسعه در بخش کشاورزی باید بر سه‌م ابزارهای نوآور و پیشرفته افزوده شود و از آسیب‌های متعددی که در برنامه‌های توسعه‌ای قبیل وارد بود نیز کاسته شود. دولت چهاردهم از ابتدای آغاز به کار خود بر اجرای برنامه هفتم توسعه تأکید کرده که این مسأله می‌تواند نویدی بر تحقق چشم‌اندازهای این برنامه توسعه‌ای باشد. روزنامه ایران گفت‌وگویی با علی کیانی‌راد، رئیس مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی پیرامون اهمیت مقوله امنیت غذایی و ارتباط آن با عملیاتی شدن برنامه هفتم توسعه داشته که در ادامه می‌خوانید.

روند تدوین برنامه‌های توسعه‌ای در کشور چگونه است؟ چه آسیب‌شناسی‌ای به تدوین چنین برنامه‌های توسعه‌ای وارد است؟ سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه‌ای بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری و با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین می‌شود و سپس در

مجریان وجود ندارد. مسأله بعدی اینکه روش‌های برنامه‌ریزی در ایران غیرمتمرکز و غیرمشارکتی است یعنی سیاست‌های کلی از بالا ابلاغ می‌شود اما در مرحله بعد وقتی در چهارچوب سازمان برنامه و بودجه یا دستگاه‌های اجرایی قرار می‌گیرد، ذینفعان و تأثیرپذیران برنامه‌ها در آن مشارکتی ندارند. ضمن اینکه ما توانسته‌ایم تعارض منافع در برنامه‌هایمان را حل کنیم. یعنی در چنین برنامه‌هایی گرایش به سمت منطقه یا بخش خاصی می‌رود.

هر برنامه توسعه‌ای در شرایط ثبات برای ۵ سال آینده برنامه‌ریزی می‌شود درحالی که برنامه‌های توسعه‌ای در جهان امروز مبتنی بر شرایط ثبات نیست بلکه مبتنی بر تحلیل شرایط و مخاطرات آتی در نظر گرفته می‌شود. آسیب بعدی اینکه برنامه تدوین می‌شود اما برنامه عملیاتی موجود نیست. اگر مسأله ما رشد و پیشرفت است، تنها با سرمایه‌گذاری برای ارتقای بهره‌وری اتفاق می‌افتد. در هیچ کجای دنیا سرمایه‌گذاری‌های دولتی به دلیل وجود بروکراسی و

تعارض منافع نتوانسته منجر به ارتقای بهره‌وری شود زیرا برای سرمایه‌گذاری باید زیربناها و بسترهای ارتقای بهره‌وری فراهم شود. آسیب بعدی در برنامه‌های توسعه‌ای قبلی، وجود ضعف شدید سازگار نظارتی و انگیزشی بود زیرا تطابق قوانین بودجه سالانه با برنامه‌های توسعه‌ای تفاوت فاحش دارد و قوانین بودجه سنواتی در مسیر برنامه‌های توسعه‌ای قرار نداشته است.

ایجاد امنیت غذایی پایدار در کشور از چه اهمیتی برخوردار است؟ کشاورزی تولید با استفاده از منابع پایه نیست بلکه زنجیره‌ای است که از منابع طبیعی، پایه، زیستی، آب، خاک، جنگل و مراتع شروع می‌شود و به مرحله تولید و جمع‌آوری محصول می‌رسد و سپس به حوزه فرآوری می‌توزیع به مصرف‌کننده منتهی می‌شود. به همین دلیل زنجیره ارزش کشاورزی و غذا از زن (منابع طبیعی) تا سلول (مصرف‌کننده) را شامل می‌شود. اگر به دنبال توسعه بخش کشاورزی هستیم باید به این حوزه نگاه

زنجیره‌ای داشته باشیم. مهمترین وظیفه بخش کشاورزی تأمین امنیت غذایی است و باید اولین مؤلفه در امنیت غذایی باشد، دومین مؤلفه اینکه در دسترس فیزیکی و اقتصادی باشد، سومین مورد سالم و مقوی و مبتنی بر الگوی تغذیه‌ای بودن غذا در هر جامعه‌ای است و چهارمین مورد اینکه منابعی که برای تولید آن استفاده می‌شود، پایدار باشند و مورد بهره‌برداری قرار بگیرند. از سوی دیگر سیستم تولید، عرضه، توزیع و قیمت باید دارای ثبات باشد که مجموع این موارد امنیت غذایی را معنا می‌بخشد.

اصل سوم و چهل و سوم قانون اساسی عنوان می‌کند باید در حوزه محصولات کشاورزی خودکفا باشیم تا جایی که در حد امکانات و ظرفیت، منابع پایه باشد زیرا همه کشورها امنیت غذایی را در کنار امنیت ملی قرار می‌دهند. طبق اسناد بالادستی باید کشور در تولید محصولات کشاورزی خودکفا باشد و محصولات غذایی هم در دسترس قرار بگیرند. همچنین محصولات غذایی

مهمترین وظیفه بخش کشاورزی تأمین امنیت غذایی است و باید اولین مؤلفه در امنیت غذایی یعنی غذا فراهم شود



باید سالم و دارای الگوی تغذیه‌ای استاندارد باشند یعنی به سلامت انسان ضرر نزنند در حالی که طی ۱۰۰ سال گذشته الگوی غذایی ما از الگوی غذایی مغذی و کم‌آب بر به الگوی غیرمغذی و پرآب‌بر برای تولید غذا تبدیل شده است.

برای رسیدن به اهداف تعیین شده در برنامه توسعه هفتم در حوزه کشاورزی چه اقداماتی باید انجام بگیرد؟ سیاست‌های کلی برنامه هفتم، اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با

